

جواهری از سخنان سلف صالح

تهیه و گردآوری و ترجمه:

سایت نوار اسلام

(IslamTape.Com)

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaiislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam۱۱.com

www.videofarsi.com

فهرست مطالب

فهرست مطالب	۳
مقدمه	۷
جواهری از سخنان سلف صالح	۱۰
علم و ثمره آن:	۱۰
عمر بن خطاب <small>رضی الله عنه</small> و تشویق برای تحصیل علم و دانش:	۱۰
و حال سخنانی از ابن مسعود <small>رضی الله عنه</small> :	۱۱
نصیحتی زیبا از امام سفیان ثوری درباره آموختن علم و عمل به آن:	۱۱
عابد جاهل:	۱۱
علم و جهل و اقسام مردم:	۱۲
آموختن علم شرعی و تأثیر آن بر متعلم:	۱۲
عاقبت عدل و عاقبت ظلم:	۱۳
معیار تنها کتاب خدا و سنت نبوی است:	۱۴
امام شافعی و تشویق به عدم تعصب مذهبی:	۱۴
ارزش حدیث صحیح و تأثیر مخرب حدیث ضعیف:	۱۵
عدم افراط و تفریط در محبت صحابه و اهل بیت:	۱۶
خصوصیات اهل سنت و جماعت:	۱۷
حرام بودن همنشینی با اهل بدعت و فسق:	۱۸
برائت ائمه ی اهل سنت از فرقه صوفیه:	۲۰
نشانه صداقت در ولاء و براء (دوستی و دشمنی بخاطر خدا):	۲۰
زیان شبهات:	۲۱
دنباله روی مردم از حاکمان:	۲۱
نقش علمای دین در هدایت یا گمراهی مردم:	۲۲
چند نصیحت زیبا از عمر بن خطاب رضی الله عنه:	۲۲

- ۲۳ ادب سلف صالح نسبت به پیامبر صلی الله علیه وسلم حتی بعد از وفاتش.....
- ۲۴ چند خصلتی که هر انسانی - چه مسلمان یا کافر - باید از آن برخوردار باشند:.....
- ۲۴ گناهان و تاثیر آنها بر قلب:.....
- ۲۵ سخنی زیبا از ابن مسعود رضی الله عنه درباره صداقت در حق جوینی:.....
- ۲۵ روش امر به معروف و نهی از منکر:.....
- ۲۶ خداشناس واقعی، موحد است.....
- ۲۷ مجادله در امر دین موجب قساوت قلب است:.....
- ۲۸ سوال کردن از چیزی که وجود خارجی ندارد، جدال با دین است:.....
- ۲۸ چرا دعای ما اجابت نمی شود؟.....
- ۲۹ نصیحتی از عمر بن خطاب رضی الله عنه برای کاشتن بذر محبت در قلوب مردم:.....
- ۳۰ تأثیر بدعت بر سنت:.....
- ۳۰ شوخی با لفظ طلاق:.....
- ۳۰ علامت انسان جاهل:.....
- ۳۱ آداب ملاقات کردن سلف صالح:.....
- ۳۱ فضیلت دعای استخاره و مشورت کردن:.....
- ۳۱ حفظ اسرار:.....
- ۳۲ کرامت انسانها نزد خدا:.....
- ۳۳ محبت خداوند در گرو اطاعت از او و پیامبرش است.....
- ۳۳ مخالفت با خداوند:.....
- ۳۳ ارزش صدقه قبل از وفات:.....
- ۳۴ فرصت کسب توشه تمام می شود:.....
- ۳۴ ژهد چیست و چگونه بدست می آید و زاهد کیست؟.....
- ۳۵ طاعت خدا با ترس و امید:.....
- ۳۶ شروط پذیرش اعمال نزد خداوند:.....

۳۷ جایگاه نیت در پذیرش اعمال:
۳۸ شروط داخل شدن به بهشت:
۳۸ مشغول ساختن زبان به استغفار:
۴۰ نماز شب:
۴۰ سکوت کردن و کم سخن گفتن از حکمت است:
۴۲ یکی از نشانه های تشخیص منافق از مؤمن:
۴۲ حفظ زبان:
۴۲ علامت سعادت و علامت شقاوت:
۴۳ زیاد خندیدن:
۴۳ خصلتهایی که به سود انسان هستند، و خصلتهایی که به ضرر وی اند
۴۴ حیاء از ایمان است:
۴۵ بعضی از صفات سلف صالح برای کسانی که دوست دارند بر منهج آنها گام بردارند:
۴۵ پر خوری و شکم چرانی:
۴۶ پرهیز از مشتبهات از ورع است:
۴۶ چگونگی مبارزه با دنیاخواهی و نفس سرکش و شیطان لعین:
۴۷ عاقبت سستی در کسب فضایل:
۴۷ از نشانه های رویگردانی الله تعالی از بنده اش:
۴۸ تفاوت بین مؤمن متقی و انسان فاسق در گناه کردن!
۴۸ قلب هایی که استحقاق آتش جهنم را دارند:
۴۸ صبر بر عذاب جهنم ممکن نیست!
۴۸ ذکر گوی واقعی:
۴۹ عواقب انتشار زنا و ربا در یک جامعه:
۴۹ چشم چرانی:
۵۰ بخل:

- ۵۰ نشانه انسان ریاکار:
- ۵۱ سوگند به دروغ یا سوگند به غیر خدا؟!
- ۵۱ شطرنج:
- ۵۲ سخن چینی به قصد خیر خواهی!
- ۵۲ شرکت در دزدی از طریق خرید اجناس دزدیده شده:
- ۵۲ جریمه گناه در این دنیا:
- ۵۳ عاقبت بخیری:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وأصحابه إلى يوم الدين.
واما بعد:

«تمدن انسانی با اکتشافات و اختراعات و نوآوری‌های خود هر روز نسبت به گذشته در حال پیشرفت و ترقی است و غالباً آخر آن بهتر از اول آن است، ولی این تعالی و برجستگی در دین و اعتقاد عکس آن است! یعنی در مورد ادیان، نخستین پیروان هر دین از پیروان بعدی آن بهتر و پایبندتر هستند، بعبارتی سلف (گذشتگان) آنان بهتر از خلف (آینده‌گان) آنها هستند، زیرا تمدن - بر خلاف ادیان - در آغاز همانند کودکی چهار دست و پا به حرکت می‌افتد و کم کم پا می‌گیرد، در حالی که ادیان به طور کامل و ایستاده به دنیا می‌آیند. تمدن تراکم علم و معرفت بشر است که کم کم کامل می‌شود اما دین وحی است از سوی خداوند و هدایتی است محکم و بی‌نقص»^۱.

بر این اساس بهترین یهودیان واقعی همان یاران باوفای موسی علیه السلام هستند و بهترین مسیحیان، پیروان و یاران همراه عیسی علیه السلام یعنی حواریون او هستند، و بهترین مسلمانان؛ محمد بن عبدالله صلی الله علیه وسلم و صحابه ایشان هستند و سپس کسانی که به ترتیب پس از آنان بیایند، چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «خَيْرُ الْقُرُونِ الْقُرْنُ الَّذِي بُعِثْتُ فِيهِمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُومُهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يُلُومُهُمْ». بخاری و مسلم.

یعنی: «بهترین دوران، زمانی است که من در آن مبعوث شده‌ام سپس کسانی که به دنبال آنها می‌آیند و سپس کسانی هم که به دنبال آنها می‌آیند».

پس هر چه یک نسل یا یک قرن از مردمان بروند، به همراه آنان قسمتی از علم و فضیلت از میان امت خواهد رفت، لذا تفاوت میان نخستین پیروان هر دین با متأخران آن، مانند تفاوت

۱ - گوشه ای از سخنان دکتر صالح آل طالب در خطبه مسجدالحرام جمعه ۲۳ جمادی الثانی ۱۴۳۲.

میان آب زلالی است که از منبع اصلی سرچشمه می جوشد و همان آب بر اثر پیمودن مسافتی طولانی و آمیخته شدن با انواع خاک و خاشاک به دست متأخران می رسد. پس خوشا به حال آن کسانی که دین و اعتقاد خویش را از منبع اصلی سرچشمه جویا می شوند، و از اسلام آمیخته با بدعت و انحراف روی کج کرده و آنرا با صافی اعتقاد سلف صالح امت پالایش و تصفیه کرده و بعد می پذیرند.

بنابراین، یک مسلمان متعهد که نگران سلامت اعتقاد و فکر خویش است قطعاً در زندگی خود همواره دین و اعتقادش را از سلف صالح این امت اخذ می کند.

منهج سلف صالح همان اسلام نخستین است که پیامبر صلی الله علیه وسلم بصورت ناب و خالص به یارانش عرضه نمود و همان اسلامی است که ابوبکر و عمر و عثمان و علی آنرا شناختند، همان راه و روشی است که خالد و سعد برای آن جنگیدند و حمزه و مُصعب برای آن به شهادت رسیدند، همان جاده‌ای است که ابن مسعود و ابن عباس آن را پیمودند، و آن راهی است که حسن بصری و نَخَعی و شَعْبی آن را ترسیم کردند. همان مسیری است که ابوحنیفه و مالک و شافعی و احمد طی کردند. راه بخاری و مسلم و ابوداود و ترمذی... آنان و بسیاری دیگر که همین راه را پیمودند که سیرت و زندگی‌نامه‌شان باقی است و جای پایشان مشخص و کتاب‌هایشان موجود.

و این دوران طلایی، همان عصر سلف صالح امت از صحابه و تابعین و تابع تابعین است، پس بر ماست تا راه و روش سلف صالح خود را در پیش بگیریم و در دین و اعتقاد و کردار نیکو و اخلاق شایسته از آنان پیروی کنیم، چرا که تبعیت از سلف صالح، ما را از افتادن در بیراهه و خطر انحراف باز می‌دارد، آنچنان که شاعر می‌گوید:

فکل خیر فی اتباع سلف و کل شر فی ابتداع من خلف

یعنی: هر چه خیر و نیکی است در پیروی از پیشینیان و سلف صالح حاصل می‌شود و هر آنچه شر و بدی است بر اثر پیروی از نوآوریها و بدعت‌هایی است که بعد از سلف ایجاد کرده‌اند.

پس هر گاه خواستی دوری یا نزدیکی پیروان یک آیین را به دین نابشان مورد سنجش قرار دهی، به دوری یا نزدیکی آنان از سلف و پیشینیان شان نظر بینداز که هر چه به آن‌ها نزدیکتر باشند هدایت یافته‌ترند و هر چه دورتر باشند به گمراهی نزدیکتر، اما اگر خلف یک امت سلف خود را نفرین کنند، دیگر خیری در آنان نیست..

ما در این کتابچه قصد نداریم تا اندکی آگاهی به علم خوانندگان گرامی بیافزاییم! بلکه هدف اینست تا با شناخت اقوال سلف صالح این امت، هر چه بیشتر بتوانیم راه و سیره آن بزرگواران را ادامه داده و آنرا الگو و سرمشق زندگی خود قرار دهیم، باشد که با شناخت صحیح منهج سلف صالح و پیروی از مسیر آنان، هر نوع بدعت و نوآوری در دین را شناسایی کنیم و از آن براءت جوئیم.

از آنجائیکه سخنان خدا و رسولش صلی الله علیه وسلم بیشتر در میان مردم منتشر شده است، لذا سعی ما در این کتابچه بر این است که در ارتباط با موضوعات مختلف هر بار یک یا چند سخن زیبا و حکمت آمیز را از صحابه و تابعین و تابع آنها نقل کنیم، باشد که راهنمای ما مسلمانان جهت خشنودی خدای متعال باشد.

خداوندا حق را همانگونه که هست و باطل را همانگونه که هست به ما نشان ده و توفیق پیروی از حق و دوری از باطل را به ما عطا فرما..

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین

سایت نوار اسلام

(IslamTape.Com)

جمعه ۷ محرم ۱۴۳۳ هـ ق

جواهری از سخنان سلف صالح

علم و ثمره آن:

یکی از اسباب هدایت، علم است. بنابراین هر آنکس علم بیشتری نسبت به دینش داشته باشد به هدایت نیز نزدیکتر است و احتمال اغوای او توسط شیاطین جن و انس کاهش می‌یابد، از اینرو کسب علوم شرعی راه خوبی برای حفظ ایمان است.

قال الإمام ابن القيم رحمه الله: «كل ما كان في القرآن من مدح للعبد فهو من ثمرة العلم، وكل ما كان فيه من ذم للعبد فهو من ثمرة الجهل».^۱

امام ابن قیم رحمه الله فرمودند: «هر جا در قرآن از عبدی مدح و تمجید شده است بخاطر ثمره علم (او) بوده است، و هر جایی که در قرآن بنده ای مورد ذم و سرزنش قرار گرفته به دلیل ثمره جهل (او) بوده است».

عمر بن خطاب رضی الله عنه و تشویق برای تحصیل علم و دانش:

امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه فرمودند: «هیچ گاه انسانی دانشمند نمی‌شود مگر آنکه به بالاتر از خود حسد نورزد، و به پایین تر از خود در علم بسنده نکند، و در مقابل علم خود از کسی مزدی دریافت نکند».^۲

و قال: «تفقهوا قبل أن تسودوا».^۳

و فرمود: «علم را فرا گیرید قبل از این که سردار شوید».

یعنی قبل از این که به ریاست و مقامی برسید علم را فرا گیرید چرا که بعداً فرصت فرا گرفتن علم به دست نمی‌آید.

و قال عمر رضی الله عنه: «موت ألف عابد أهون من موت عالم بصير بحلال الله وحرامه».^۴

۱- «مفتاح السعادة» (۱/ ۱۰۸).

۲- «فرائد الکلام» (ص ۱۳۵).

۳- «فتح الباري» (۱/ ۱۹۹).

۴- «مفتاح دار السعادة» (۱/ ۱۲۱).

و فرمود: «مرگ هزار عابد آسان‌تر از مرگ یک عالم آگاه به حرام و حلال خدا است».

و حال سخنانی از ابن مسعود رضی الله عنه:

قال عبد الله رضي الله عنه: «تعلموا العلم فإذا علمتم فاعملوا».

و قال: «ويل لمن لا يعلم، ولو شاء الله لعلمه، وويل لمن يعلم، ثم لا يعمل»^۱.

عبدالله بن مسعود رضي الله عنه فرمود: «علم بیاموزید، و هرگاه آموختید پس به آن عمل کنید».

و فرمود: «وای بر کسی که نمی‌داند، و اگر خدا بخواهد وی را علم می‌دهد، و وای بر آنکس که علم دارد ولی به آن عمل نمی‌کند».

نصیحتی زیبا از امام سفیان ثوری درباره آموختن علم و عمل به آن:

المهدي أبا عبد الله يقول: سمعت سفیان الثوري يقول: «كان يقال أول العلم الصمت، والثاني الاستماع له وحفظه، والثالث العمل به، والرابع نشره وتعليمه»^۲.
مهدی ابو عبدالله گفت: شنیدم سفیان ثوری می‌فرمود: «ابتدای علم سکوت است، و دوم شنیدن علم و حفظ آن است، و سوم عمل کردن به آن، و چهارم نشر و تعلیم آن است».

عابد جاهل:

یکی از اسباب هدایت و تداوم و بقا بر آن؛ داشتن علم شرعی است. کسی که به احکام شریعت علم داشته باشد و طریقه ی صحیح عبادات را بداند، عبادت او نیز به قبولی نزدیکتر خواهد شد و این علم برایش همانند چراغی خواهد بود که راه و مسیر او را برای عبادت صحیح پروردگار روشن می‌کند.

كتب عمر بن عبد العزيز رحمه الله إلى أهل المدينة: «من تعبد بغير علم كان ما يفسد أكثر مما يصلح»^۱.

۱- «حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء» أبونعیم اصفهانی.

۲- «حلیة الأولیاء» حافظ أبونعیم اصفهانی.

عمر بن عبدالعزیز رحمه الله برای اهل مدینه نوشت: «هر کس خدا را بدون علم عبادت کند، آنچه را که فاسد می کند بیشتر است از آنچه اصلاح می کند».

علم و جهل و اقسام مردم:

یروی عن الأحنف بن قیس أنه قال: «قال الخلیل بن أحمد: الناس أربعة: رجل یدري ویدري أنه یدري، فذاك عالم فخذوا عنه، ورجل یدري وهو لا یدري أنه یدري، فذاك ناس فذکروه، ورجل لا یدري وهو یدري أنه لا یدري فذاك طالب فعلموه، ورجل لا یدري ولا یدري أنه لا یدري فذاك أحمق فارفضوه».^۱

خلیل بن احمد رحمه الله فرمود: «مردم چهار دسته هستند: مردی که می داند و می داند که می داند؛ او عالم است پس از او بیاموزید، و مردی که می داند ولی نمی داند که می داند؛ او انسان غافلی است پس آگاهش کنید، و مردی که نمی داند و او می داند که نمی داند؛ او انسانی خواهان یادگیری است پس وی را بیاموزید، و مردی که نمی داند و نمی داند که نمی داند؛ او انسان احمقی است پس از وی دوری کنید».

آموختن علم شرعی و تأثیر آن بر متعلم:

قال الإمام الشافعي رحمه الله تعالى: «من تعلم القرآن عظمت قيمته، ومن تعلم الفقه نبيل مقداره، ومن كتب الحديث قويت حجته، ومن تعلم الحساب جزل رأيه، ومن تعلم اللغة رقّ طبعه، ومن لم يصن نفسه، لم ينفعه علمه».^۲

امام شافعی رحمه الله فرمودند: «هر کس قرآن بیاموزد ارزش و قدر وی بالا می رود، و هر کس فقه بیاموزد تواناییش زیاد می گردد، و هر کس حدیث بنویسد (و حفظ کند) حجت و برهانش قوی می شود، و هر کس علم حساب فراگیرد رأی و نظرش محکم می شود، و

۱- «سنن الدارمی» (۱/ ۱۰۳).

۲- «أخبار الحمقى» (۳۶).

۳- «أدب الدنيا والدين للهاوردي» (۲۸).

هر کس ادبیات بیاموزد طبع و سرشت وی نرم و لطیف می‌شود، و هر کس نفس خود را محفوظ ندارد علمش سودی برایش ندارد».

عاقبت عدل و عاقبت ظلم:

خداوند متعال عادل است و عدل را دوست می‌دارد و لذا ظلم را بر خود و بر بندگانش حرام کرده، و فطرت انسان را بگونه‌ای آفریده که عدالت دوست و عدالت خواه باشد، از اینرو ظلم را مبعوض می‌دارند و ظالمین را دوست ندارند و از آنها احساس نفرت دارند. حاکمی که عادل باشد مردم نیز وی را دوست دارند و از او در برابر دشمنانش حمایت کرده و یاری می‌رسانند، اما اگر پایه‌های تخت و حکومتش را بر ظلم استوار کند؛ در حقیقت بذر کینه و نفرت را در قلوب مردمانش می‌کارد که بزودی ثمره خواهد داد. در بین مردم گُرد مثلی هست که مضمون آن به زبان فارسی چنین است: «هر چیزی از ناحیه نازک آن می‌شکند، اما ظلم از جائیکه ضخیم تر است می‌شکند»، منظور آنست که هر اندازه ظلم بیشتر باشد کمتر دوام می‌یابد و ظالم هر قدر ظالم تر باشد سریعتر نیز از بین خواهد رفت. سنت الهی نیز بر همین بوده که دیر یا زود بساط ظالمین را برمی‌چیند و آنرا مایه‌ی عبرت انسانها می‌کند اگر پند گیرنده‌ای باشد!

قال ابن تیمیة رحمه الله تعالى: «إِنَّ النَّاسَ لَمْ يَتَنَازَعُوا فِي أَنَّ عَاقِبَةَ الظُّلْمِ وَخِيْمَةٌ، وَعَاقِبَةُ الْعَدْلِ كَرِيْمَةٌ، وَهَذَا يَرُوى: اللهُ يَنْصُرُ الدَّوْلَةَ الْعَادِلَةَ، وَإِنْ كَانَتْ كَافِرَةً، وَلَا يَنْصُرُ الدَّوْلَةَ الظَّالِمَةَ، وَلَوْ كَانَتْ مُؤْمِنَةً»^۱.

وقال رحمه الله تعالى: «يُقَالُ: الدُّنْيَا تَدُوْمُ مَعَ الْعَدْلِ وَالْكَفْرِ، وَلَا تَدُوْمُ مَعَ الظُّلْمِ وَالْإِسْلَامِ»^۲.

امام ابن تیمیه رحمه الله فرمودند: «مردم اختلافی ندارند در اینکه عاقبت ظلم ناگوار است و عاقبت عدل شرافت و بزرگی است، و برای همین نقل می‌شود: خداوند حکومت عادل را

۱- «مجموع الفتاوی؛ الحسبة» (۱۶، ۱۷۰).

۲- «مجموع الفتاوی؛ الحسبة» (۱۴۷).

یاری می‌دهد هرچند که کافر باشد، و حکومت ظالم را یاری نمی‌دهد هرچند که مومن باشد.»

و فرمودند: «گفته می‌شود: امور دنیا با عدل و کفر دوام می‌یابد، اما با ظلم و اسلام تدوام نمی‌یابد.»

معیار تنها کتاب خدا و سنت نبوی است:

اهل سنت بر خلاف اهل بدعت تعصب خاصی نسبت به اشخاص برجسته دینی ندارد، چرا که الگو و اسوه‌ی ما تنها محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم است؛ هرگاه ابوبکر یا عمر یا عثمان یا علی رضی الله عنهم بر اساس قرآن و سنت نبوی حکم کردند، آنرا می‌پذیریم، در غیر اینصورت - ضمن احترام - نخواهیم پذیرفت، و باور داریم که اگر حکمی را به اشتباه صادر کنند تنها از روی اجتهاد بوده و آنها را معذور می‌دانیم.

عن ابن عباس رضی الله تعالی عنه، قال: «قال لي معاوية رضي الله تعالى عنه: أنت على ملة علي؟ قلت: ولا على ملة عثمان، أنا على ملة رسول الله صلى الله عليه وسلم»^۱.
عبدالله بن عباس رضی الله عنه فرمود: «معاویه رضی الله عنه به من گفت: آیا تو بر راه و روش علی هستی؟ گفتم: خیر، من نه بر راه علی هستم و نه بر راه و سنت عثمان، بلکه من بر راه و سنت رسول خدا صلی الله علیه وسلم هستم.»

امام شافعی و تشویق به عدم تعصب مذهبی:

در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه وسلم مردم تابع قرآن و سنت ایشان بودند، و بعدها در زمان خلفا و صحابه و حتی تابعین نیز همه تابع قرآن و سنت نبوی بودند و چیزی با عنوان مذهب فلانی و فلانی در میان مردم وجود نداشت، و اگر از کسی سؤال می‌شد: مذهب تو چیست؟ می‌گفت: من تابع کتاب و سنت هستم و بس.. و حتی خود ائمه اربعه نیز تابع کتاب و سنت بودند و مردم را از تقلید کردن نهی می‌کردند و حاضر نبودند که سخن آنها بر

۱- حلیة الأولیاء؛ أبی نعیم اصفهانی.

کتاب و سنت ترجیح داده شود، چرا که آن بزرگواران با وجود علم و مجتهد بودنشان، باز خود را معصوم نمی دانستند. پس برماست که ما نیز از روش سلف صالح پیروی کنیم و از مذهب خاصی تقلید نکنیم.

حرملة بن یحیی يقول: قال الشافعي: «كلمة قلت: وكان عن النبي صلى الله عليه وسلم خلاف قولي مما يصح، فحديث النبي صلى الله عليه وسلم أولى ولا تقلدوني».

أبا الوليد بن أبي الجارود يقول: قال الشافعي: «إذا صح الحديث عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، فقلت قولاً فأنا راجع عن قولي وقائل بذلك».

الربيع ابن سليمان يقول: سمعت الشافعي يقول: «إذا صح الحديث عن رسول الله صلى الله عليه وسلم فهو أولى أن يؤخذ به من غيره»^۱.

حرملة بن یحیی می گوید: شافعی فرمود: «هر بار که گفتم: حدیث صحیحی از پیامبر صلی الله علیه وسلم خلاف قول من ثابت شده، پس حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم اولی تر است و از من تقلید نکنید».

و ابو ولید بن ابی جارود می گوید: شافعی فرمود: «هر گاه حدیث صحیحی از رسول خدا صلی الله علیه وسلم ثابت گشت و من (قبلاً) سخنی گفته باشم، پس از سخن خود باز می گردم و به حدیث عمل می کنم».

و ربیع بن سلیمان می گوید: شنیدم که شافعی می فرمود: «هر گاه حدیث صحیحی از رسول خدا صلی الله علیه وسلم ثابت گشت، پس آن حدیث اولی تر است از اینکه به قول و رای دیگری عمل شود».

ارزش حدیث صحیح و تأثیر مخرب حدیث ضعیف:

اهل سنت تابع قرآن و احادیثی از پیامبر صلی الله علیه وسلم هستند که به درجه صحت رسیده باشند، و احادیث ضعیف و دروغین را در هیچ حالتی قبول ندارند، بر خلاف اهل

۱- منبع: «حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

بدعت که برای اثبات اعتقادات باطل خود معمولاً به احادیث ضعیف و دروغین استناد می‌کنند، زیرا راهی جز آن ندارند! اصولاً یکی از بلاهایی که به جان اهل بدعت افتاده همین روایات ضعیف و دروغین هستند و همین امر منجر شده که بنیاد اعتقاد آنها بر گمراهی و باطل استوار شود.

یحیی بن یمان، قال: سمعت سفیان الثوری، يقول: «الحديث أكثر من الذهب والفضة وليس يدرك، وفتنة الحديث أشد من فتنة الذهب والفضة»^۱.

یحیی بن یمان گفت: شنیدم که سفیان ثوری می‌فرمود: «(ارزش) حدیث بیشتر از طلا و نقره است ولی محسوس نیست، و فتنه و بلای حدیث (دروغ) بیشتر از بلای طلا و نقره است».

عدم افراط و تفریط در محبت صحابه و اهل بیت:

اهل سنت و جماعت نه اهل افراط هستند و نه اهل تفریط؛ نه مانند روافض صحابه را دشنام و لعن می‌کنند و نه مانند نواصب اهل بیت را دشنام می‌دهند، بلکه هر دوی صحابه و اهل بیت را دوست می‌دارند و آنرا نشانه‌ی اكمال ایمان می‌دانند، چرا که دوست داشتن هر مسلمانی واجب است. با این وجود در مورد هیچکدام از آنها غلو نمی‌کنند.

قال أيوب السخيتاني رحمه الله: «من أحب أبا بكر الصديق فقد أقام الدين، ومن أحب عمر فقد أوضح السبيل، ومن أحب عثمان فقد استنار بنور الدين، ومن أحب علي بن أبي طالب فقد استمسك بالعروة الوثقى، ومن قال الحسنی في أصحاب محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فقد برئ من النفاق»^۲.

ایوب سخیتانی رحمه الله فرمودند: «هرکس ابوبکر صدیق را دوست بدارد، براستی که دین را برپا داشته، و هرکس عمر را دوست بدارد، براستی که روشن‌ترین راه (را یافته است)، و هرکس عثمان را دوست بدارد، براستی که به نور دین منور گشته، و هرکس علی ابن ابیطالب را دوست بدارد، براستی که به دستاویزی محکم و استوار چنگ زده است، و

۱- «حلیة الأولیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

۲- روایت لالکائی در «شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة» (۱۳۱۶/۷).

هر کس در باره اصحاب محمد صلی الله علیه وسلم نیکو بگوید و گمان نیک داشته باشد، براستی که از نفاق بری است».

خصوصیات اهل سنت و جماعت:

نزد بسیاری از مردم به کسی که شیعه نباشد می گویند: او سنی است، او جزو اهل سنت است! اما نزد علما به هر کسی اهل سنت و جماعت اطلاق نمی شود، حتی اگر شیعه نباشد! بلکه اهل سنت و جماعت گروهی از مسلمانان هستند که در فکر و اعتقاد و احکام و اخلاق تابع سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم و صحابه ی او هستند، اما بسیاری از سنی ها هستند که متأسفانه از منهج صحیح نبوی فاصله گرفته اند؛ مانند صوفیه یا معتزله و یا اشاعره و ماتریدیه و غیره..

اهل سنت و جماعت خصوصیات دارند که آنها را از دیگران متمایز می گردانند، که در زیر به بعضی از این خصوصیات اشاره شده است:

قال سهل بن عبد الله التستري رحمه الله تعالى لرجل سأله متى يعلم الرجل أنه من أهل السنة والجماعة؟ فقال: «إذا عرف من نفسه عشر خصال: لا يترك الجماعة، ولا يسب أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم، ولا يخرج على هذه الأمة بالسيف، ولا يكذب بالقدر، ولا يشك في الإيمان، ولا يماري في الدين، ولا يترك الصلاة على من يموت من أهل القبلة بالذنب، ولا يترك المسح على الخفين، ولا يترك الجماعة (أو قال الجمعة) خلف كلِّ وال جار أو عدل».^۱

مردی از سهل بن عبدالله تستری پرسید که: یک شخص از کجا بفهمد که او جزو اهل سنت و جماعت است؟ سهل فرمود: «هرگاه ده خصلت و ویژگی در او یافت شود: جماعت را ترک نکند، اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم را دشنام ندهد، و بر علیه امت مسلمان شورش نکند، و قدر الهی را انکار نکند، و در ایمان شک نکند، و در دین مجادله نکند، و

نماز جنازه را بر کسی از اهل قبله که مرتکب گناه کبیره شده ترک نکند، و مسح بر خفین را ترک نکند، و نماز جماعت یا جمعه را پشت سر حاکم عادل یا فاجر ترک نکند».

حرام بودن همنشینی با اهل بدعت و فسق:

خداوند متعال در قرآن کریم آیه ۱۱۹ سوره توبه ما را سفارش می کند که با صادقین و درستکاران همراه شویم، چرا که او تعالی بیشتر از هر کسی مخلوق خود را می شناسد و می داند که همنشینی و رفاقت با دیگران بسیار بر اخلاق و اعتقاد آدمی تأثیر می گذارد. از اینرو خدا و رسولش ما را به رفاقت و همنشینی با صادقین امر کرده اند. همنشین شدن با افراد صالح و هدایت یافته بر هدایت ما تأثیر مفیدی خواهد گذاشت، و بالعکس؛ همنشینی با اهل فسق و فجور و اهل بدعت و منحرف شده، تأثیر ناگواری بر اخلاق و افکارمان خواهد گذاشت.

سلف صالح ما بر این مسئله بسیار حساس بودند و سعی داشتند که از اهل فسق و بدعت دوری کنند، و بیشترین برائت را از آنها داشتند. شایسته است که ما نیز در برخورد با اهل بدعت و گمراهان همین برخورد را داشته باشیم تا دین و اخلاق خود را از آفت محفوظ کرده باشیم.

قال غالب القطان: رأيت مالك بن دينار في المنام، فكأنه قاعد في مسجده الذي كان يجلس فيه، عليه قبطيتان وهو يقول: بأصبعيه هكذا: «صنفان من الناس لا تجالسوهما فإن مجالستهما مفسدة لقلب كل مسلم: صاحب بدعة قد غلا فيها، وصاحب دنيا مترف فيها»^۱.

غالب قطان گفت: مالک بن دینار را در خواب دیدم که گویا در مسجد نشسته بود و می فرمود: «دو دسته از مردم هستند که هرگز با آنها منشین، زیرا همنشینی با آنها قلب هر مسلمانی را فاسد می کنند: کسی که اهل بدعت است و در آن غلو کرده، و دیگری کسی که اهل دنیا است و در آن خوش گذارن است».

۱- «الخلية الأولياء» أبي نعیم اصفهانی.

کیست ظالمتر از اهل بدعت؟ براستی که اهل بدعت از اهل فسق و فجور و گناه بدتر و خطرناکترند.

سلام ابن ابی مطیع فقیه و دانشمند بصره می فرمود: «لأن ألقى الله بصحيفة الحجاج، أحبُّ إلي من أن ألقى الله بصحيفة عمرو بن عبید».^۱

«اگر مرا با نامه ی عمل حجاج به نزد پروردگار ببرند، بیشتر دوست دارم تا اینکه با نامه ی اعمال عمرو بن عبید».

عمرو بن عبید مردی عابد و زاهد اما اهل بدعت بود و حجاج مردی فاجر و خونخوار و جنایتکار بود.

و قال الحسن رحمه الله: «لا تجالس صاحب بدعة فإنه يمرض قلبك».^۲

امام حسن بصری رحمه الله فرمودند: «با انسان مبتدع و بدعت گزار منشین، چرا که او قلبت را بیمار می کند».

و قال يحيى بن أبي كثير: «إذا لقيت صاحب بدعة في طريق فخذ في طريق آخر».^۳

یحیی بن ابی کثیر فرمود: «هرگاه در راهی انسان بدعت گزاری را ملاقات کردی تو از راه دیگری برو».

و قال ابن تيميم: «هجران أهل البدع كافرهم وفاسقهم والمتظاهرين بالمعاصي، وترك السّلام عليهم فرض كفاية، ومكروه لسائر الناس، ولا يسلم أحد على فاسق مععلن، ولا مبتدع مععلن داعية».^۴

ابن تیمیم رحمه الله فرمود: «ترک و دور شدن و سلام نکردن از اهل بدعت چه کافر یا فاسق یا کسانی که آشکارا گناه می کنند، فرض کفایی است و بر دیگر مردم مکروه است، و

۱- «سیر اعلام النبلاء» (۷/ ۴۲۸).

۲- «الاعتصام» (۱/ ۸۳).

۳- «الاعتصام» (۱/ ۸۳).

۴- «الآداب الشرعية» (۲۳۷).

هیچکس نباید بر فرد فاسقی که فسقش را آشکار می کند و بر مبتدعی که بدعتش را تبلیغ می کند سلام کند».

برائت ائمه ی اهل سنت از فرقه صوفیه:

از جمله کسانی که در دوران معاصر؛ نمود بارز اهل بدعت بشمار می روند؛ روافض و صوفیه هستند. در کلام سلف صالح اقوال زیادی در نهی از مصاحبت و همنشینی با این دو فرقه مشاهده می کنیم، چرا که آن دو فرقه از مسیر روشن بخش اسلام خارج گشته اند و به خرافات و باطل گراییده اند!

قال ابن الجوزي: عن يحيى بن معاذ يقول: «اجتنب صحبة ثلاثة أصناف من الناس العلماء الغافلين والفقراء المداهنين والمتصوفة الجاهلين».

وإسناد عن يونس بن عبد الأعلى قال: سمعت الشافعي يقول: «لو أن رجلاً تصوف أول النهار لا يأتي الظهر حتى يصير أحق». وعنه أيضاً أنه قال: ما لزم أحد الصوفية أربعين يوماً فعاد عقله إليه أبداً»^۱.

امام ابن جوزی در کتاب «تلیس ابلیس» آورده: از یحیی بن معاذ نقل است که فرمود: «از صحبت سه گروه پرهیزید: عالمان غافل، فقیران تملق گو و صوفیان جاهل». و با اسنادی از یونس بن عبدالاعلی آورده است: شنیدم که شافعی می فرمود: «اگر کسی در اول روز صوفی شود هنوز ظهر آن روز نرسیده که او احق گشته است». و باز از او نقل کرده که فرمود: «هر کس چهل روز با صوفیان بنشیند هرگز عقلش به جا نمی ماند».

نشانه صداقت در ولاء و براء (دوستی و دشمنی بخاطر خدا):

قال سفیان الثوري رحمه الله: «إذ أحببت الرجل في الله، ثم أحدث في الإسلام فلم تبغضه عليه فلم تحبه في الله»^۲.

۱- «تلیس ابلیس» (۴۴۷).

۲- «الخلية الأولى» (۳۴/۷).

امام سفیان ثوری رحمه الله می فرماید: «هر گاه کسی را بخاطر الله دوست داشتی، سپس آن شخص بدعتی در اسلام ایجاد کرد و تو بخاطر آن بدعتش وی را مبعوض نداری، پس بدان که او را بخاطر خدا دوست نداشته ای».

زیان شبهات:

کسی که عاقل باشد خود را در مقابل شبهات قرار نمی دهد، زیرا از جمله آفتهای دین و اعتقاد سالم، شبهات هستند.

قال شیخ الاسلام ابن تیمیة رحمه الله: «من عرف الشبهة ولم يعرف فسادها قد يستضر بها»^۱.
شیخ الاسلام رحمه الله فرمودند: «هر کس شبهه را بشناسد ولی فساد آنرا نداند، بزودی بوسیله آن زیان می بیند».

دنباله روی مردم از حاکمان:

یکی از نعمتهایی که خداوند متعال به مردم عطاء می کند، نعمت داشتن یک حاکم عادل و خداترس است. چنین حاکمی است که هم خدای متعال وی را نصرت می دهد و هم محبت او را در قلب مردمانش قرار می دهد و از او اطاعت می کنند، و این تعامل موجب می گردد جامعه بهتر از هر وقت دیگری اداره شود و رفاه و آسایش و عدالت اجتماعی در جامعه ایجاد شود. اما اگر حاکم اهل عدل و تقوا نباشد و از آخرت خویش بیم نداشته باشد، قطعاً مردم نیز از او رضایت نخواهند داشت و طبیعتاً اطاعت از او را به سرپیچی و عصیان مبدل می گردانند! و با این حساب مشخص است که جامعه به چه سمت و سویی می رود..

قال عمر رضي الله عنه: «إن الناس ليؤدون إلى الإمام ما أدى الإمام إلى الله، وإن الإمام إذا رتع رتعت الرعية»^۲.

۱- «منهاج السنة النبوية» (ج ۵، ص: ۲۸۳).

۲- «موسوعة فقه عمر بن الخطاب» د. محمد قلعجي (ص ۱۴۶).

امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه فرمودند: «مردم به همان اندازه از رهبر و پیشوای خود حرف شنوی خواهند داشت که او از خدای خود داشته باشد و اگر حاکم رفاه طلب باشد، رعیت نیز رفاه طلب خواهد شد».

نقش علمای دین در هدایت یا گمراهی مردم:

گروهی از مردم هستند که نقش بسزایی در دین و اعتقادات مردم دارند؛ از جمله آنها می توان به علماء و حکام اشاره نمود. هرگاه علماء و حکام بر صراط مستقیم باشند تأثیر آنها بر اصلاح اعتقادات مردم چشم گیر خواهد بود، و هرگاه دچار لغزش و انحراف گردند باز تأثیر خواهند گذاشت اما این بار موجب نابودی دین و اعتقاد مردم خواهند شد.

امیر المؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه فرمودند:

«بهرمه زلّة العالم، وجدال المنافق بالكتاب، وحکم الأئمة المضلّين»^۱.

«اسلام را لغزش علما و جدل های منافقین دانا به قرآن و امامان گمراه، نابود می سازد».

حدثنا يحيى ابن بيان، قال: سمعت سفیان الثوري، يقول: «الأعمال السيئة داء، والعلماء دواء، فإذا فسد العلماء فمن يشفي الداء؟»^۲.

يحيى بن يمان می گوید: شنیدم که سفیان ثوری می فرمود: «اعمال و کارهای بد و زشت درد هستند و علماء دوی آن دردها هستند، هرگاه علماء فاسد شدند پس چه کسی دردها را درمان کند؟».

چند نصیحت زیبا از عمر بن خطاب رضی الله عنه:

یقیناً انسان تا مادامیکه راز خود را پوشیده نگه دارد، حاکم خویشتن است، اما بعد از آنکه راز خود را افشا نماید، کنترل اوضاع از دستش خارج می شود و عواقب آن به خودش بر می گردد.

۱- «سنن الدارمی» (۱ / ۸۲)، و ألبانی در مشکاة المصابیح (۱ / ۸۹) گفته: اسناد آن صحیح است.

۲- «حلیة الأولیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

قال عمر ابن خطاب رضی الله عنه: «من كتم سره كانت الخيرة في يديه».

«هر کس راز خود را بپوشاند، زمام خیر به دست اوست».

انسان قبل از دیگران مسئول خویشتن است. پس نباید کاری کند که در معرض تهمت و سوء ظن مردم قرار گیرد. و اگر احتمال می‌داد که رفتارش برای مردم شک برانگیز است، فوراً حقیقت امر را آشکار سازد و گمان‌های بد را برطرف نماید.

و قال: «من عرض نفسه للتهمة فلا يلومن من أساء به الظن».

«هر کس خود را در معرض تهمت و سوء ظن قرار دهد، کسی جز خویشتن را سرزنش نکند».

برادران دینی باعث سعادت انسان می‌شوند، در وقت صلح و خوشی، همنشینان خوبی هستند و در اعمال نیک و تقوا با انسان همکاری خواهند کرد و به هنگام مصیبت و بلا، یاوران خوبی هستند که تا آخرین لحظه با جان و مال در کنار برادر مسلمان خود خواهند بود و او را بر خویشتن ترجیح خواهند داد حتی اگر خودشان در مضیقه باشند.

قال: «عليك ياخوان الصدق تعش في أكنافهم فإنهم زينة في الرخاء و عدة في البلاء»^۱.

«برای خود برادران نیک جهت مجالست برگزین، چرا که آنها باعث زینت تو در روزهای خوش و پشتوانه ات در روزهای ناگوار خواهند بود».

ادب سلف صالح نسبت به پیامبر صلی الله علیه وسلم حتی بعد از وفاتش..

قال يعقوب بن المسيب: دخل المطلب بن حنظب على سعيد بن المسيب في مرضه وهو

مضطجع فسأله عن حديث، فقال: أقعدوني فأقعدوه، قال: «إني أكره أن أحدث حديث رسول

الله صلی الله علیه وسلم وأنا مضطجع»^۲.

۱- منبع: «تاریخ دمشق» (۳۵۹/۴۴) و «الإخوان لابن أبي الدنيا» (۱۱۶).

۲- «الحلیة الأولیاء» أبي نعیم اصفهانی.

يعقوب پسر مسیب می گوید: مطلب بن حنظب به عیادت سعید بن مسیب رفت و دید که او بر پهلو خوابیده است، مطلب از وی درباره حدیثی پرسید، سعید گفت: مرا بنشانید، او را نشانند، سپس فرمود: «من ناپسند می دانم که در حالت خوابیده حدیث رسول خدا صلی الله علیه وسلم را بازگو نمایم».

چند خصلتی که هر انسانی - چه مسلمان یا کافر - باید از آن برخوردار باشند:

عن میمون بن مهران، قال: «ثلاث المؤمن والكافر فيهن سواء: الأمانة تؤديها إلى من ائتمنك عليه من مسلم وكافر، وبر الوالدين، والعهد تفي به لمن عاهدت من مسلم أو كافر».^۱
میمون بن مهران رحمه الله فرمود: «سه چیز هستند که مؤمن و کافر در آن همسان هستند: بازگرداندن امانت به کسی که به تو اطمینان کرده حال چه او مسلمان باشد یا کافر، احسان نسبت به والدین، و وفای به عهد با کسی که با تو عهد بسته چه مسلمان باشد یا کافر».

گناهان و تاثیر آنها بر قلب:

شیطان می کوشد تا قلبهای پاک و روشن را با انواع مکر و حيله بفریبد، اما برای فریفتن قلبهای سیاه زحمت زیادی به خرج نمی دهد!
قال میمون بن مهران: «إن العبد إذا أذنب ذنباً نكث في قلبه بذلك الذنب نكتة سوداء، فإن تاب محيت من قلبه فترى قلب المؤمن مجلي مثل المرأة، ما يأتيه الشيطان من ناحية إلا أبصره، وأما الذي يتتابع في الذنوب فإنه كلما أذنب ذنباً نكث في قلبه نكتة سوداء، فلا يزال ينكث في قلبه حتى يسود قلبه، ولا يبصر الشيطان من حيث يأتيه».^۲
میمون بن مهران فرمود: «هرگاه بنده ای گناهی را مرتکب شود نقطه ی سیاهی بر قلبش پدیدار می شود، ولی هرگاه توبه کرد آن نقطه سیاه از قلبش پاک می شود، پس قلب مؤمن مانند آینه روشن است، و شیطان (برای فریفتن او) جز با زیر نظر گرفتن وی (و حيله) سراغش

۱- «حلیة الأولیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

۲- «حلیة الأولیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

نمی آید. اما آنکس که مدام در حال گناه است با هر گناهی که انجام می دهد نقطه ی سیاهی بر قلبش پدیدار می گردد تا آنکه قلبش کاملاً سیاه می شود، و شیطان هرگاه سراغش برود نیازی به فریب و زیر نظر گرفتنش ندارد».

سخنی زیبا از ابن مسعود رضی الله عنه درباره صداقت در حق جویی:

عن عبد الرحمن بن عبد الله بن مسعود، عن أبيه، قال: أتاه رجل فقال: يا أبا عبد الرحمن علمني كلمات جوامع نوافع. فقال: «أعبد الله ولا تشرك به شيئاً، وزل مع القرآن حيث زال، ومن جاءك بالحق فاقبل منه وإن كان بعيداً بغيضاً، ومن جاءك بالباطل فاردد عليه وإن كان حبيباً قريباً»^۱.

مردی نزد عبدالله بن مسعود آمد و گفت: کلمات مختصر و مفیدی به من یاد بدهید، فرمود: «الله را عبادت کن و برای او شریک قرار مده، و همواره عمر خود را با قرآن سپری کن، و هرکس که با حق نزد تو آمد از وی بپذیر هرچند که غریب و دشمن باشد، و هرکس که با باطل نزد تو آمد آنرا نپذیر هرچند که دوست نزدیک باشد».

روش امر به معروف و نهی از منکر:

روش امر به معروف و نهی از منکر، در برخورد با افراد مختلف، متفاوت است. معمولاً طبع آدمی بگونه ای است که موافق با نرمی و مدارا است و از آن بیشتر تاثیر می پذیرد، اما نرم برخورد کردن با تمامی انسانها مفید واقع نمی شود.

قال حافظ ابن رجب: قال بعض السلف: «من وعظ أخاه فيما بينه وبينه فهي نصيحة، ومن وعظه على رؤوس الناس فإنها وبَّخه»^۲.

حافظ ابن رجب رحمه الله می فرماید: یکی از علمای سلف (پیشینیان ما) گفته است:

۱- «الحلیة الأولیاء» أبي نعیم اصفهانی.

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۹۱).

«هرکس برادرش را پنهانی وعظ و اندرز دهد این همان نصیحت (واقعی) است، اما هرکس او را نزد مردم و دیگران اندرز دهد در حقیقت او را توبیخ می‌کند».

وقال الفضیل بن عیاض رحمه الله: «المؤمن یستر وینصح، والفاجر یهتك ویعیّر»^۱.

و فضیل بن عیاض رحمه الله فرمودند: «مؤمن خطای مردم را می‌پوشاند و نصیحت می‌کند، اما انسان فاجر خطای مردم را افشاء می‌کند و سرزنش می‌کند».

وقال أحمد رحمه الله: «الناس محتاجون إلى مداراة ورفق في الأمر بالمعروف بلا غلظة إلا رجل معلن بالفسق فلا حرمة له»^۲.

و امام احمد رحمه الله فرمودند: «مردم در هنگام امر به معروف به مدارا و نرمی نیاز دارند نه شدت و تندى، مگر برای مردی که علناً گناه و فسق می‌کند که دیگر حرمتی برایش نیست».

وقال سفیان الثوري رحمه الله: «لا يأمر بالمعروف ولا ينهى عن المنكر إلا من كان فيه خصال ثلاث: رفيق بما يأمر، رفيق بما ينهى، عدل بما يأمر، عدل بما ينهى، عالم بما يأمر، عالم بما ينهى»^۳.

و امام سفیان ثوری رحمه الله فرمود: «کسی امر به معروف و نهی از منکر نکند مگر آنکه سه ویژگی را دارا باشد: به آنچه که امر و نهی می‌کند با نرم خوبی رفتار کند، و به آنچه که امر و نهی می‌کند منصفانه برخورد کند، و به آنچه که امر و نهی می‌کند علم داشته باشد».

خداشناس واقعی، موحد است

قال حافظ ابن رجب: قال بعض السلف: «يا رب، عجبت لمن يعرفك كيف يرجو غيرك! وعجبت لمن يعرفك كيف يستعين بغيرك!»^۴.

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۹۱).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۳۴۲).

۳- «الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر للخلال» (ص: ۴۶).

۴- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۲۰۶).

حافظ ابن رجب رحمه الله می فرماید: یکی از علمای سلف (پیشین) گفته است: «پروردگارا! تعجب می کنم از آنکس که تو را می شناسد اما از غیر تو امید دارد! و تعجب می کنم از آنکس که تو را می شناسد اما از غیر تو یاری می طلبد!».

مجادله در امر دین موجب قساوت قلب است:

یکی از صفات ناپسندی که شریعت نیز آنرا نهی کرده است، مجادله بر سر مسائل دینی با مردم است. درحالیکه هیچ خیری در جدال نیست اما با این وجود متأسفانه بعضی از مسلمانان همواره جدال می کنند و بنظر می رسد از آن لذت می برند! قطعاً خیر و نیکی در چیزی است که خدا به آن امر کرده و از آن نهی می کند، نه در آنچه چیزی که ما گمان می کنیم! چه بسا به قصد رسیدن به نیکی با افرادی مجادله کنیم درحالیکه نیکی در ترک آن جدال است.

قال الهیثم بن جمیل: «قلت لمالك رحمه الله يا أبا عبد الله الرجل يكون عالماً بالسنن يجادل عنها؟ قال: لا، ولكن يخبر بالسنة فإن قبلت منه وإلا سكت»^۱.

هیثم بن جمیل گوید: «به مالک بن انس رحمه الله گفتم: ای ابا عبدالله اگر مردی به سنت آگاه باشد بوسیله آن با مردم مجادله می کند؟ فرمود: خیر، بلکه سنت را به مردم می رساند، اگر قبول کرد چه بهتر و گرنه ساکت شود».

و قال إسحاق بن عيسى: كان مالك رحمه الله يقول: «المراء والجدال في العلم يذهب بنور العلم من قلب الرجل»^۲.

و اسحاق بن عیسی گفت: امام مالک می فرمود: «نزاع و مجادله در علم، نور علم را از قلب شخص می زداید».

و قال ابن وهب: «سمعت مالكا رحمه الله يقول: المراء في العلم يقسي-القلب، ويورث الضغن»^۳.

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۰۲).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۰۲).

۳- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۰۲).

و عبدالله بن وهب فرمود: «شنیدم که امام مالک رحمه الله می فرمود: مجادله در علم موجب قساوت قلب و ایجاد کینه می شود».

وقال الأوزاعي رحمه الله: «إن الله إذا أراد أن يجرم عبده بركة العلم ألقى على لسانه المغاليط، فلقد رأيتهم أقل الناس علماً»^۱.

امام اوزاعی رحمه الله فرمودند: «هرگاه خداوند متعال بخواهد بنده اش را از برکت علم محروم سازد، مغلطه و سفسطه را بر زبانش القاء می کند، و برای همین می بینی که کم علم ترین مردم آنها هستند».

و قال ميمون بن مهران رحمه الله تعالى: «لا تمار عالماً ولا جاهلاً، فإنك إذا ماريت عالماً خزن عنك علمه، وإن ماريت جاهلاً خشن بصدرك»^۲.

و ميمون بن مهران فرمود: «نه با فرد عالم و نه جاهل مجادله نکن، زیرا اگر با شخص عالم مجادله کنی علمش را از تو محروم می کند، و اگر با شخص جاهل مجادله کنی تو را به خشم می آورد».

سوال کردن از چیزی که وجود خارجی ندارد، جدال با دین است:

قال ابن عمر رضي الله عنهما: «لا تسألوا عما لم يكن فيني سمعت عمر رضي الله عنه لعن السائل عما لم يكن»^۳.

عبدالله بن عمر رضي الله عنه فرمود: «از چیزی که وجود ندارد سؤال نکنید، چرا که من شنیدم عمر رضي الله عنه چنین کسی را لعن کرد».

چرا دعای ما اجابت نمی شود؟

بسیاری از مردم از اجابت نشدن دعای خود شکوه دارند! اما برآستی که این افراد برای

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۰۲).

۲- «جامع بیان العلم وفضله» (۱/ ۱۲۹).

۳- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۰۱).

اجابت دعای خود هیچ اقدامی نکرده اند. حداقل تأثیر دعا آنست که شخص دعاگو دارای اجر و ثواب خواهد شد، هر چند که دعایش اجابت نشود، زیرا دعا عبادت است و خدای متعال دعایی را که با شرک همراه نباشد، جزای خیر می دهد.

قال يوسف بن أسباط رحمه الله: «بلغنا أن دعاء العبد يجبس عن السماوات بسوء المطعم»^۱.
یوسف بن اسباط رحمه الله فرمود: «به ما گفته اند که دعای بنده به دلیل غذای حرام در آسمانها حبس می شود».

وقال وهب ابن منبه رحمه الله: «مثل الذي يدعو بغير عمل كمثل الذي يرمي بغير وتر»^۲.
و وهب ابن منبه رحمه الله فرمود: «مثل کسی که بدون انجام عمل (صالح) دعا می کند بمانند کسی است که بدون کمان تیر بیندازد».

وقال ابن رجب: قال بعض السلف: «لا تستبطئ الإجابة وقد سددت طرقها بالمعاصي»^۳.
و یکی از علمای سلف فرموده: «راههای اجابت دعا را بوسیله انجام معاصی مسدود مگردان».

نصیحتی از عمر بن خطاب رضی الله عنه برای کاشتن بذر محبت در قلوب مردم:

قال عمر بن الخطاب رضي الله عنه: «ثلاث تثبت لك الود في صدر أخيك: أن تبدأه بالسلام وتوسع له في المجلس، وتدعوه بأحب الأسماء إليه»^۴.

عمر ابن خطاب رضی الله عنه فرمودند: «سه چیز محبت تو را در قلب برادرت می کارد: اینکه ابتدا تو بر او سلام کنی، و در مجلس جایی برای او (جهت نشستن) باز کنی، و او را با محبوبترین اسمها نزد او صدا بزنی».

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۱۵).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۱۶).

۳- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۱۶).

۴- «آداب العشرة للغزالي» (۱۶).

تأثیر بدعت بر سنت:

زیان ایجاد بدعت در دین تنها به رشد انحراف و گمراهی در جامعه اسلامی محدود نمی‌شود، بلکه منجر به نابودی و ترک سنت نیز می‌شود.

عن لقمان بن أبي إدريس الخولاني: أنه كان يقول: «ما أحدثت أمة في دينها بدعة إلا رفع بها عنهم سنة»^۱.

از ابی ادريس خولانی رحمه الله نقل شده که می‌فرمود: «هیچگاه امت اسلام بدعتی را در دین ایجاد نمی‌کند مگر آنکه بخاطر آن سنتی از میانشان برداشته می‌شود».

شوخی با لفظ طلاق:

متأسفانه بعضی از مردم به خطیر بودن تلفظ طلاق واقف نیستند، چرا که بنا به فرموده ی پیامبر صلی الله علیه وسلم تلفظ طلاق چه با شوخی گفته شود یا جدی، واقع می‌شود. از اینرو باید مراقب باشیم که نه شریعت را به استهزاء بگیریم و نه خود را در موقعیتی قرار دهیم که جز ندامت چیزی نداشته باشد.

قال ابن عباس رضي الله عنهما لرجل قال له: إني طَلَّقت امرأتي مائة تطليقة، فما ذا ترى عليّ؟ قال: «طلَّقت منك لثلاث، وسبع وتسعون اتَّخذت بها آيات الله هزوا»^۲.

ابن عباس رضی الله عنهما به مردی که به وی گفته بود: من زنم را صد مرتبه طلاق گفتم! نظر تو درباره من چیست؟ گفت: «سه طلاق از تو به درستی صادر گشته، اما نود و هفت بار بوسیله آن آیات خدا را مسخره کرده ای».

علامت انسان جاهل:

قال أبو الدرداء رضي الله عنه: «علامة الجاهل ثلاث: العجب، وكثرة المنطق فيما لا يعنيه، وأن ينهي عن شيء ويأتيه»^۱.

۱- «الاعتصام» (۱ / ۴۰).

۲- «الموطأ» (۵۵۰).

ابودرداء رضی الله عنه فرمود: «علامت انسان جاهل سه چیز است: خودبزرگ بینی، زیاد سخن گفتن از چیزی که سودی برایش ندارد، و از چیزی نهی کند درحالیکه خود انجام می‌دهد».

آداب ملاقات کردن سلف صالح:

عن أنس رضي الله عنه قال: «كان أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم إذا تلاقوا تصافحوا، وإذا قدموا من سفر تعانقوا».^۲

انس رضی الله عنه فرمود: «اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه همدیگر را ملاقات می‌کردند با هم مصافحه می‌کردند، و هرگاه از سفر باز می‌گشتند معانقه می‌کردند».

مصافحه: دست دادن.

معانقه: در آغوش گرفتن، به گردن هم دست درآوردن.

فضیلت دعای استخاره و مشورت کردن:

قال الماوردي: قال بعض الأدباء: «ما خاب من استخار، ولا ندم من استشار».^۳

ماوردی در کتاب خود آورده است: یکی از ادیبان گفته است: «ناکام نخواهد شد آنکه استخاره کند، و پشیمان نخواهد شد آنکه مشورت کند».

منظور از استخاره؛ دعای استخاره است که بعد از خواندن دو رکعت نماز خوانده می‌شود و دعای آن در احادیث صحیح وارد شده است.

حفظ اسرار:

کسی که اسرار خودش را افشاء کند نباید انتظار داشته باشد که دیگران اسرار او را افشاء نکنند.

۱- «جامع بیان العلم وفضله» (۱/ ۱۴۳).

۲- هیشمی (۸/ ۳۶) گفته: طبرانی در معجم الأوسط روایت کرده و رجال سند آن رجال صحیحی هستند.

۳- «أدب الدنيا والدين» (۲۶۰).

قال علي بن أبي طالب رضي الله عنه: «سرك أسيرك، فإن تكلمت به صرت أسيره»^۱.
 علی بن ابیطالب رضی الله عنه فرمود: «اسرار تو اسیر تو هستند، هر گاه آنرا افشاء کردی
 اینبار تو اسیر وی خواهی شد».

کرامت انسانها نزد خدا:

در شریعت اسلام هیچ نژاد و زبانی از بقیه برتر و گرامی تر نیست، بلکه آنکسی گرامی و
 مکرم هست که ایمان آورده و طاعت خدای عزوجل کند. پس هر کس با هر نژادی مقیدتر و
 پایبندتر به احکام شریعت باشد، به همان اندازه نیز گرامی تر و مکرم تر هست.

قال سعيد بن المسيب: «ما أكرمت العباد أنفسها بمثل طاعة الله عز وجل، ولا أهانت
 أنفسها بمثل معصية الله، وكفى بالمؤمن نصرة من الله أن يرى عدوه يعمل بمعصية الله»^۲.
 سعید بن مسیب رحمه الله فرمودند: «هیچگاه یک مؤمن همانند وقتی که طاعت خداوند
 عزوجل را بجای می آورد، خود را گرامی نمی دارد، و با انجام معصیت خدا به خودش اهانت
 نمی کند، و برای مؤمن کافست که خداوند او را یاری دهد که ببیند دشمنش معصیت خدا را
 انجام می دهد».

وقال ميمون بن مهران: «من كان يريد أن يعلم ما منزلته عند الله عز وجل، فلينظر في عمله
 فإنه قادم على عمله كائنا ما كان»^۳.

و میمون بن مهران رحمه الله فرمود: «هر کس که می خواهد بداند منزلت و جایگاهش نزد
 خداوند چیست، پس به عملش نگاه کند، چرا که او با عملش (نزد خدا) خواهد آمد هر چه
 که باشد».

۱- «أدب الدنيا والدين، الماوردي» (۲۹۵).

۲- «الحلية الأولياء» أبي نعیم اصفهانی.

۳- «حلية الأولياء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

محبت خداوند در گرو اطاعت از او و پیامبرش است.

قال الحسن رحمه الله: «اعلم أنك لن تحب الله حتى تحب طاعته».^۱

امام حسن بصری رحمه الله فرمود: «بدان که تو خدا را دوست نمی داری تا آنکه طاعتش را دوست نداشته باشی».

و قال يحيى بن معاذ رحمه الله: «ليس بصادق من ادعى محبة الله ولم يحفظ حدوده».^۲

و يحيى بن معاذ رحمه الله فرمود: «کسی که ادعای محبت خداوند را داشته باشد اما حدودات او را رعایت نکند، در ادعایش صادق نیست».

مخالفت با خداوند:

مخالفت با اوامر خداوند موجب ویرانی دنیا و آخرت خواهد شد.

عن أبي قيس، عن الحسن، قال: «لا تخالفوا الله عن أمره فإن خلافاً عن أمره عمران دار قضي الله عليها بالخراب».^۳

امام حسن بصری رحمه الله فرمودند: «با اوامر خداوند مخالفت نکنید، چرا که مخالفت از امر وی موجب آبادانی دنیا است، ولی خداوند متعال (مخالفت با خود را) با ویران ساختن آن جبران می کند».

ارزش صدقه قبل از وفات:

تا زنده هستیم در فکر آخرت خود باشیم و در کسب توشه بخل نورزیم.

عن ميمون بن مهران، قال: «لئن أتصدق بدرهم في حياتي، أحب إلي من أن يتصدق عني بعد موتي بمائة درهم».^۴

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۸۵).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۸۶).

۳- «الحلیة الأولیاء» أبي نعیم اصفهانی.

۴- «حلیة الأولیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

میمون بن مهران رحمه الله فرمود: «اگر یک درهم را در زمان حیاتم صدقه دهم، بیشتر از آن دوست دارم که صد درهم را بعد از مرگم برایم صدقه دهند».

فرصت کسب توشه تمام می شود:

قدر لحظات زندگی را بدانیم، زیرا هر روز به پایان عمر نزدیکتر می شویم و فرصت کسب اجر و ثواب را از دست می دهیم.

قال ابن القيم رحمه الله: «کم جاء الثواب يسعى اليك فوقف بالباب فرده بواب: سوف ولعل وعسى»^۱.

امام ابن قیم رحمه الله فرمود: «بسا ثواب به سوی تو می آید و در جلوی در می ایستد ولی دربان آنرا با آینده و شاید و امید است، رد می کند».

زهد چیست و چگونه بدست می آید و زاهد کیست؟

قال إبراهيم بن أدهم رحمه الله: «الزهد ثلاثة أصناف: فزهد فرض، وزهد فضل، وزهد سلامة؛ فأما الزهد الفرض فالزهد في الحرام، والزهد الفضل الزهد في الحلال، والزهد السلامة الزهد في الشبهات»^۲.

ابراهیم بن ادهم رحمه الله فرمودند: «زهد سه نوع است: زهدی که فرض است، و زهدی که فضل است، و زهدی که مایه سلامت است؛ زهد فرض یعنی دوری از حرام، و زهد فضل یعنی بی رغبتی نسبت به حلال، و زهد سلامت یعنی پرهیز از شبهات».

وقال أبو سليمان الداراني رحمه الله: «اختلفوا علينا في الزهد بالعراق؛ فمنهم من قال: الزهد في ترك لقاء الناس، ومنهم من قال: في ترك الشهوات ومنهم من قال: في ترك الشيع، وكل منهم قريب بعضه من بعض، قال: وأنا أذهب إلى أن الزهد في ترك ما يشغلك عن الله عز وجل»^۳.

۱- «الفوائد» (ص: ۶۳).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۳۱۰).

۳- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۳۱۰).

و ابو سلیمان دارانی رحمه الله فرمود: «علمای عراق درباره تعریف زهد اختلاف کرده اند: بعضی گفته اند: زهد با ترک مردم (و دنیا) حاصل می شود، و بعضی گفته اند: زهد با ترک شهوات بدست می آید، و بعضی دیگر گفته اند: زهد در ترک سیر شدن از غذا است، و هر کدام از این معانی به هم نزدیکند، و بنظر من زهد یعنی ترک هر آنچیزی که تو را از خداوند عزوجل غافل می کند».

گاهی بعضی از مبتدعان طریقت صوفیه بگونه ای رفتار می کنند که انگار اولیاء الله هستند! و دیگران هم باید مرید آنها باشند و نزد او توبه کنند!! درحالیکه اولیاء الله هیچگاه ادعای زهد و تقوا ندارند، زیرا از ریاء می ترسند. پس ما نیز نباید هر کسی را بعنوان زاهد و ولی خدا بدانیم و اصلا اولیاء الله از بدعت و خرافات بدور هستند بلکه خود را بر سنت نبوی وفق می دهند.

قال أبو سليمان رحمه الله: «لا تشهد لأحد بالزهد؛ فإن الزهد في القلب»^۱.

ابو سلیمان دارانی رحمه الله فرمود: «به زهد و تقوای هیچکسی شهادت مده! چرا که زهد در قلب است (و ما از آن بی اطلاعیم)».

طاعت خدا با ترس و امید:

اهل سنت و جماعت خدا را مابین ترس و رجاء می خوانند، ترس از قهر خدا و امید به رحمت وی.. ولی بعضی از مردم فقط یک جانب را در نظر گرفته اند؛ مثلا آنقدر به رحم الهی امید یافته اند که نتیجتاً از انجام گناه و عواقب اخروی آن ترسی ندارند! در حقیقت شیطان با این ترفند آنها را نسبت به انجام گناه جسور کرده است، ولی اینها غافل از اینکه اگر خدا نسبت به مؤمنان رئوف است اما دارای صفت خشم و شدید العقاب نیز هست.

أحمد بن أبي الحواري قال: سمعت أبا سليمان الداراني يقول: «من حسن ظنه بالله عز وجل

ثم لا يخاف الله فهو مخدوع»^۲.

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۳۰۷).

۲- «صفة الصفة» (ص: ۴۶۸).

ابو سلیمان دارانی رحمه الله فرمود: «هر کس گمانش را نسبت به خدا نیک گرداند و حسن ظن داشته باشد ولی از خدا نترسد، او فریب خورده است».

شروط پذیرش اعمال نزد خداوند:

قال أبو عبد الله النجاشي الزاهد رحمه الله: «خمس خصال بها تمام العمل: الإيمان بمعرفة الله عز وجل، ومعرفة الحق، وإخلاص العمل لله، والعمل على السنة، وأكل الحلال، فإن فقدت واحدة لم يرتفع العمل».^۱

ابو عبدالله نجاشی رحمه الله می فرماید: «پنج خصلت هستند که عمل توسط آنها کامل (و مقبول) می شود: ایمان به شناخت خداوند عزوجل، شناخت حق، اخلاص عمل برای خدا، انجام دادن عمل بر طبق سنت نبوی، خوردن مال حلال، هرگاه یکی از اینها نباشد عمل پذیرفته نمی شود».

پس بر طبق این فرمایش امام زاهد (که بر گرفته از روح شریعت است): هر کس مسلمان نباشد یعنی ایمان نداشته باشد، یا حق را نشناسد، یا مرتکب ریا شود، یا مخالف سنت عمل کند و عملش را آمیخته با بدعت انجام دهد، یا مال حرام بخورد، عملش مردود است. اگر عملی خالصاً برای خدا صورت گیرد اما بر طبق تعریف و خواسته ی شارع صورت نپذیرد و با بدعت همراه باشد، آن عمل ارزشی ندارد:

و قال ابن القیم رحمه الله تعالى: «العمل بغير إخلاص ولا اقتداء كالمسافر يملأ جرابه رملاً ينقله ولا ينفعه».^۲

و امام ابن قییم رحمه الله فرمود: «عمل بدون اخلاص و مخالف سنت همچون مسافری است که کیسه ای پر از شن با خود حمل می کند که سودی برایش ندارد».

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۰۹).

۲- «الفوائد» (۶۷).

جایگاه نیت در پذیرش اعمال:

هر آنچه برای رضایت و خشنودی خدای متعال صورت پذیرد، نزد او ارزشمند است و اگر بخواهد برای آن اجر و ثواب در نظر می‌گیرد، پس سعی کنیم تا اعمال خود را به نیت خشنودی خدا انجام دهیم، چرا که خدای متعال به قلبها می‌نگرد نه به ظاهر ما!

قال مطرف بن عبد الله رحمه الله: «صلاح القلب بصلاح العمل، وصلاح العمل بصلاح النية»^۱.

مطرف بن عبدالله رحمه الله فرمود: «اصلاح قلب با اصلاح عمل روی می‌دهد، و اصلاح عمل نیز با اصلاح و نیک ساختن نیت روی می‌دهد».

و قال ابن المبارك رحمه الله: «رب عمل صغير تعظمه النية، ورب عمل كبير تصغره النية»^۲.
و عبدالله ابن مبارك رحمه الله فرمود: «گاهی عملی هر چند کوچک است اما نیت (شخص) آنرا بزرگ می‌کند، و گاهی عملی هر چند بزرگ است اما نیت آنرا کوچک می‌گرداند».

البته تنها نیت پاک و خالص شرط کافی نیست، بلکه عملی که انجام می‌دهیم باید آنگونه باشد که خدا و رسولش بدان امر داده اند، عبارتی عمل انجام شده باید موافق شریعت و سنت باشد و هرگاه چنین عملی با اخلاص صورت گیرد، امید است که مشمول رحمت الهی قرار بگیریم.

قال الفضيل بن عياض رحمه الله في قوله تعالى: «إن العمل إذا كان خالصاً ولم يكن صواباً لم يُقبل، وإذا كان صواباً ولم يكن خالصاً لم يُقبل، حتى يكون خالصاً صواباً، قال: والخالص إذا كان لله عز وجل والصواب إذا كان على السنة»^۳.

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۶).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۶).

۳- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۷).

فضیل بن عیاض رحمه الله فرمود: «هرگاه عمل خالصانه برای خدا باشد ولی درست انجام نشود، پذیرفته نمی‌شود. و هرگاه درست انجام شود ولی خالص برای خدا نباشد، باز پذیرفته نمی‌شود، تا آنکه هم خالص باشد و هم درست انجام شود. و فرمود: خالص یعنی آنکه عمل تنها برای خدا باشد و درست یعنی آنکه عمل بر طبق سنت نبوی انجام شود».

وقال شیخ الإسلام ابن تیمیة رحمه الله: «إن النية المجردة من العمل يثاب عليها والعمل المجرد عن النية لا يثاب عليه»^۱.

و شیخ الاسلام رحمه الله فرمودند: «نیتی که عمل بدنبال نداشته باشد اجر می‌برد، اما عملی که بدون نیت باشد اجر نخواهد برد».

شروط داخل شدن به بهشت:

بهشت با انجام تکالیف شرعی و دوری از گناه حاصل می‌شود، پس کسی که شهادتین می‌آورد اما فرایض دینی خود را انجام نمی‌دهد یا بصورت ناقص انجام می‌دهد، نباید انتظار رحمت الهی را داشته باشد.

قيل للحسن رحمه الله: إن ناساً يقولون: من قال لا إله إلا الله دخل الجنة، فقال: «من قال لا إله إلا الله فأدى حقها وفرضها دخل الجنة»^۲.

به امام حسن بصری رحمه الله گفته شد: بعضی از مردم می‌گویند که هرکس بگوید «لا إله إلا الله» وارد بهشت می‌شود، ایشان فرمودند: «(آری) هرکس بگوید لا إله إلا الله بشرطیکه حق آنرا اداء کند و فرضش را بجای آورد داخل بهشت خواهد شد».

مشغول ساختن زبان به استغفار:

یکی از روشهای ساده کسب توشه برای آخرت، اینست که زبان خویش را با اذکار مشغول ساخت. پس شایسته است که در حفظ اذکار روزانه تلاش کنیم و زبان خویش را در

۱- «الفتاوی الکبری» (ص: ۲۱۱).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۲۲۴).

هر حالی که باشیم به آن مشغول سازیم؛ چه که این کار زبان را از مشغول شدن به غیبت و سخن چینی و دیگر آفتهای آن باز می‌دارد و در عوض خیر و حسنه را برای ما به ارمغان می‌آورد. ساده ترین ذکر که هر شخصی می‌تواند آنرا بخواند، اذکار «استغفرالله» و «سبحان الله» و یا «الله اکبر» است، پس اگر دیگر اذکار را بلد نیستیم، زبان خود را با استغفار مشغول سازیم، چرا که گناهان ما بسیار است و قابل شمارش نیست ولی خدای متعال توبه و استغفار را کفاره گناهان قرار داده است.

قالت عائشة رضي الله عنها: «طوبى لمن وجد في صحيفته استغفاراً كثيراً»^۱.

عایشه رضی الله عنها فرمود: «خوشا بحال آنکسی که در صحیفه اعمال او استغفار زیادی ثبت شده است».

و قال قتادة رحمه الله: «إن هذا القرآن يدلکم علی دوائکم ودوائکم، فأما دأؤکم فالذنوب وأما دواؤکم فالاستغفار»^۲.

و قتاده رحمه الله فرمود: «این قرآن برای شما درد و دوی شما را بیان کرده، درد شما گناه است و دوی آن استغفار و طلب مغفرت الهی است».

و قال الحسن رحمه الله: «أكثروا من الاستغفار في بيوتكم وعلى موائدكم وفي طرقكم وفي أسواقكم وفي مجالسكم وأینما كنتم؛ فإنکم ما تدرؤن متى تنزل المغفرة»^۳.

و امام حسن بصری فرمودند: «تا می‌توانید در خانه هایتان و در وقت سختی و بلا یا و در راه و در کوچه و بازار و در مجالس خود و هرجایی که بودید زیاد استغفار کنید، چرا که شما نمی‌دانید چه وقت مغفرت الهی نازل می‌شود».

و قال ابن رجب: قال بعض السلف: «يعرض علی ابن آدم يوم القيامة ساعات عمره، فكل ساعة لم يذكر الله فيها تتقطع نفسه علیها حسرات»^۴.

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۴۱۵).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۴۱۵).

۳- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۴۱۲).

۴- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۴۴).

و امام ابن رجب رحمه الله فرمودند: یکی از علمای سلف فرموده: «در روز قیامت تمام لحظه های عمر انسان بر او عرضه خواهد شد، و هر لحظه ای که در آن ذکر و یاد خدای متعال را نکرده بخاطر آن در حسرت خواهد بود».

نماز شب:

برتری نماز سنت شب آنست که در سیاهی و سکوت شب انجام می شود و درحالیکه همه خوابند ولی بنده ای که از آخرتش بیمناک است برمی خیزد و وضو می گیرد و خالصانه برای خدایش سجده می برد.

قال ابن مسعود رضي الله عنه: «فضل صلاة الليل على صلاة النهار كفضل صدقة السر على صدقة العلانية»^۱.

ابن مسعود رضی الله عنه فرمود: «فضیلت نماز شب بر نماز روز همانند فضیلت دادن صدقه در خفاء بر صدقه در عیان است».

سکوت کردن و کم سخن گفتن از حکمت است:

گاهی سکوت کردن در مورد بعضی مسائل موجب سالم ماندن فکر و اعتقاد ما نسبت به آنها می شود، چه بسا زیاد گفتن درباره آنها ما را از حق منحرف کند، پس همان به که زبان خود را حفظ کنیم، چرا که هرچه بر زبان آوریم ثبت خواهند شد و در قیامت مسئول آن خواهیم بود و از آن سوال می شویم.

عن حصین بن عبد الرحمن، عن میمون، قال: «أربع لا تکلم فیهن: علی وعثمان والقدر والنجوم»^۲.

از حصین بن عبدالرحمن روایت شده که میمون بن مهران فرمود: «چهار چیز هستند که نباید در مورد آنها (زیاد) تکلم (و سخن پراکنی) کرد (زیرا ممکن است به ناحق گویی و

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۲۹۰).

۲- «حلیة الأولیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

بیراهه برسد): علی رضی الله عنه، و عثمان رضی الله عنه، و قضاء و قدر، و نجوم (یکی از ابزارهای سحر و کهان و طالع بینی).

و عن وهب بن منبه قال: «أجمعت الأطباء (علی) أن رأس الطَّبِّ الحمیة، وأجمعت (الحکماء) أن رأس الحکمة الصّمت»^۱.

و از وهب بن منبه نقل است که فرمود: «اطباء متفق هستند که رأس سلامت، پرهیز و خودداری کردن است، و حکماء نیز متفقند که رأس حکمت؛ سکوت است».

و قال النخعی رحمه الله: «یهلك الناس فی فضول المال والکلام»^۲.

و نخعی رحمه الله فرمودند: «مردم بخاطر زیاده روی در کسب مال و سخن گفتن به هلاکت می روند».

و أخرج ابن باکویه، عن أحمد بن خالد عن أبيه؛ قال: «أدنی نفع الصّمت السّلامة، وأدنی ضرر (المنطق) الندامة. والصّمت عمّا لا یعنی من أبلغ الحکم»^۳.

احمد بن خالد از پدرش نقل می کند که گفت: «کمترین نفع سکوت، سلامت است، و کمترین ضرر سخن گفتن پشیمانی است، و سکوت در چیزی که سودی ندارد از کمال حکمت است».

و قال محمد بن عجلان رحمه الله: «إنها الکلام أربعة: أن تذكّر الله، وتقرأ القرآن، وتساءل عن علم فتخبر به، أو تکلم فیما یعنیک من أمر دنیاك»^۴.

محمد بن عجلان رحمه الله فرمودند: «سخن و کلام (مفید) تنها چهار تا هستند: اینکه ذکر خدا کنی، و قرآن قرائت کنی، و از علمی سوال کنی که بتوانی آنرا به دیگران برسانی، و درباره چیزی سخن بگویی که برای دنیایت مفید باشد».

۱- «حسن السمّت فی الصمت» للسیوطی (ص: ۲۴).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۴۴).

۳- «حسن السمّت» (۳۲).

۴- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۴۴).

یکی از نشانه های تشخیص منافق از مؤمن:

قال الأوزاعي: «إن المؤمن يقول قليلاً ويعمل كثيراً، وإن المنافق يقول كثيراً ويعمل قليلاً».^۱
 امام اوزاعی فرمود: «براستی که مؤمن کم می گوید و زیاد عمل می کند، ولی منافق زیاد می گوید و کم عمل می کند».

حفظ زبان:

بعضی از جوارح انسان نقش زیادی در کسب خیر و شر دارند؛ از جمله این اعضاء عورت و چشم و زبان هستند. کنترل هر یک از این اعضاء می تواند تا حد زیادی ما را از افتادن در گناهان کوچک و بزرگ در امان بدارد، خصوصاً زبان که می تواند گناهان زیادی از جمله غیبت، فحاشی، سخن چینی، دروغ، بهتان و یا جاری کردن سخنان شرک و کفر آمیز را مرتکب شود. اینجاست که کنترل زبان نقش زیادی در کاستن بار گناهان ایفاء می کند، از اینرو خداوند متعال و پیامبرش صلی الله علیه وسلم ما را بر کنترل زبان سفارش نموده اند، و سلف صالح ما نیز همواره بر حفظ زبان تاکید زیادی داشتند:

عن قيس قال: «رأيت أبا بكر أخذاً بطرف لسانه ويقول هذا الذي أوردني الموارد».^۲
 قیس می گوید: «ابوبکر را در حالی دیدم که کناره ی زبانش را گرفته بود و می گفت: این، همان چیزی است که مرا به گناه و عذاب گرفتار می سازد».

علامت سعادت و علامت شقاوت:

قال ابن القيم رحمه الله: «طوبى لمن شغله عيبه عن عيوب الناس وويل لمن نسي عيبه وتفرغ لعيوب الناس، فالأول علامة السعادة والثاني علامة الشقاوة».^۳
 امام ابن قیم رحمه الله فرمود: «خوشا بحال کسی که پرداختن به عیبش وی را از عیوب

۱- «حلیة الأولیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

۲- «صفة الصفة» (۲/ ۲۵۳).

۳- «طریق الهجرتین» (ص: ۱۷۶).

مردم غافل کرده، و وای بر آنکسی که عیب خود را فراموش کرده و به عیوب مردم پرداخته، اولی نشانه سعادت است و دومی نشانه شقاوت».

زیاد خندیدن:

زیاد خندیدن موجب خواهد شد که سختی عذاب جهنم را از یاد ببریم، و هرگاه سختی عذاب جهنم را از یاد بردیم از انجام گناه هراسی نخواهیم داشت و از انجام عمل صالح غافل خواهیم گشت.

قال الحسن: «ضحك المؤمن غفلة من قلبه». وقال: «كثرة الضحك تميث القلب»^۱.
امام حسن بصری رحمه الله فرمودند: «خنده ی (زیاد) مؤمن غفلتی از قلبش است».
و فرمود: «خنده ی زیاد قلب را می میراند».

خصلتهایی که به سود انسان هستند، و خصلتهایی که به ضرر وی اند

عن العلاء بن الحارث، عن مكحول، قال: «أربع من كن فيه كن له، وثلاث من كن فيه كن عليه. فأما الأربع اللاتي له، فالشكر، والإيمان والدعاء، والاستغفار، قال الله تعالى: «مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ» وقال: «وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» وقال: «مَا يَعْزُبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ». وأما الثلاث اللاتي عليه، فالمكر، والبغي، والنكث، قال الله تعالى: «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ» وقال: «وَلَا يَحِيقُ الْمُكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ» وقال: «إِنَّمَا بَغْيِكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ»^۲.

از مکحول (فقیه شام) نقل شده که فرمود: «چهار چیز در هر کس باشد به نفعش خواهد بود، و سه خصلت است که هر کس آنها را داشته باشد، بر علیه علیه خودش هستند. چهار چیزی که برای اوست: شکر، و ایمان و دعاء و استغفار است، خداوند متعال می فرماید: «مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ» «خدا چه نیازی به مجازات شما دارد اگر شکر گذاری

۱- «الحلیة الأولیاء» أبو نعیم اصفهانی.

۲- «حلیة الأولیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

کنید و ایمان آورید؟» و می‌فرماید: «وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبُهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» «و تا استغفار می‌کنند، خدا عذابشان نمی‌کند» و می‌فرماید: «مَا يَعْزَابُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» «اگر دعای شما نباشد پروردگام برای شما ارج و بهائی قائل نیست». و اما سه چیزی که بر علیه خودش است: نیرنگ و تجاوز و عهد شکنی است، خداوند متعال می‌فرماید: «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ» «پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است» و می‌فرماید: «وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ» «و نیرنگ بد تنها دامان صاحبانش را می‌گیرد» و می‌فرماید: «إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ» «سرکشی شما فقط به زیان خود شماست».

حیاء از ایمان است:

یکی از صفت‌هایی که زینت بخش اخلاق و ایمان یک انسان است؛ حیای اوست. داشتن این صفت است که او را از بسیاری از اخلاقهای زشت و گناهان دیگر دور نگه می‌دارد، و نبود آن یعنی آنکه هرچه دل بخواهد انجام دهد! پس بر والدین شایسته است که این خصلت و صفت نیک را در فرزندان خود پرورش دهند تا خود آنها و جامعه نیز از ثمره آن بهره مند شوند.

قال عمر رضي الله عنه: «من قلّ حياؤه قلّ ورعه، ومن قلّ ورعه مات قلبه»^۱.

عمر رضی الله عنه فرمود: «هرکس حیایش کم باشد، تقوایش کم است، و هرکس تقوایش کم باشد قلبش مرده است».

و قال ابن مسعود رضي الله عنه: «من لا يستحيي من الناس لا يستحيي من الله»^۲.

ابن مسعود رضی الله عنه فرمود: «هرکس از مردم حیاء و شرم نکند، از خدا شرم نمی‌کند».

و قال وهب بن منبه: «الإيمان عريان، ولباسه التقوى، وزينته الحياء، وماله العقّة»^۳.

۱- «مكارم الأخلاق، لابن أبي الدنيا» (۲۰).

۲- «مسند أحمد رواية البغوي» (۷۶).

۳- «مكارم الأخلاق لابن أبي الدنيا» (۲۱).

وهب بن منبه رحمه الله فرمود: «ایمان عریان است، و لباسش تقوا و پرهیزکاریست، وزینتش حیاست، و مالش عفت است».

خجالت با حیاء متفاوت است:

قال مجاهد: «لا يتعلم العلم مستحي ولا مستكبر».^۱

مجاهد رحمه الله فرمود: «انسان کم رو و خجل و انسان متکبر و مغرور، علم یاد نمی گیرند».

بعضی از صفات سلف صالح برای کسانی که دوست دارند بر منهج آنها گام بردارند:

عن الأوزاعي، قال: «كان يقال: خمس كان عليها أصحاب محمد صلى الله عليه وسلم والتابعون بإحسان، لزوم الجماعة، واتباع السنة، وعمارة المسجد، وتلاوة القرآن، والجهاد في سبيل الله».^۲

امام اوزاعی رحمه الله فرمود: «پنج چیز بود که اصحاب محمد صلی الله علیه وسلم و تابعینی که در نیکی از آنها پیروی کردند همواره بر آن پایبند بودند: التزام به جماعت، پیروی از سنت نبوی، آبادانی مسجد، و تلاوت قرآن، و جهاد در راه خدا».

پرخوری و شکم چرانی:

یکی از صفات بارز سلف صالح پرهیز از پرخوری و لذت جویی بود، چرا که اهمیت دادن به این مسائل موجب می شود که دنیاخواهی در وجود ما تقویت شود و به همان نسبت نیز ما را از آخرت و عذاب جهنم غافل می دارد، و مشخص است که عواقب غفلت از عذاب جهنم چه آثاری بر اعمال ما بر جای می گذارد!

قال عمرو بن قيس رحمه الله: «إياكم والبطنه فإنها تقسي القلب».^۱

۱- «البخاري - الفتح» (۱ / ۲۷۶).

۲- «حلیة الأولیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

عمرو بن قیس رحمه الله فرمود: «مراقب باشید و از شکم چرانی و پر خوری بپرهیزید، چرا که موجب قساوت قلب می شود».

وقال مالك بن دينار رحمه الله: «ما ينبغي للمؤمن أن تكون بطنه أكبر همه، وأن تكون شهوته هي الغالبة عليه».^۲

مالك بن دينار رحمه الله «شایسته مسلمان نیست که شکمش بزرگترین هم و غمش باشد! هر چند که شهوت و اشتهايش بر وی غلبه کند».

پرهیز از مشتبهات از ورع است:

گاهی حکم بعضی از چیزها را نمی دانیم که آیا حلال است یا حرام؟ در چنین حالتی یک مسلمان متقی اقدامی نمی کند تا آنکه حکم آن برایش مشخص شود و تا آن زمان از آن پرهیز می کند.

قال أبو عبد الرحمن العمري الزاهد رحمه الله: «إذا كان العبد ورعاً ترك ما يريبه إلى ما لا يريبه».^۳

ابو عبدالرحمن زاهد فرمودند: «هرگاه بنده ای متقی و پرهیزکار باشد؛ آنچه که وی را به شک اندازد رها کند و چیزی که او را به شک نیاندازد چنگ زند».

چگونگی مبارزه با دنیاخواهی و نفس سرکش و شیطان لعین:

قال يحيى بن معاذ الرّازي: «أعداء الإنسان ثلاثة: دنياه، وشیطانه، و نفسه، فاحترس من الدنیا بالزهد فيها، ومن الشيطان بمخالفته، ومن النفس بترك الشهوات».^۴

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۴۴۳).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۴۴۳).

۳- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۱۷).

۴- «نصرة النعميم» (ص: ۳۳۱۵).

یحیی بن معاذ فرمود: «دشمنان انسان سه تا هستند: دنیا و شیطان و نفسش؛ بوسیله زهد در دنیا از آن برحذر باش، و با مخالفت کردن، از شیطان پرهیز، و بوسیله ترک شهوات مراقب (هوای) نفس باش».

عاقبت سستی در کسب فضایل:

فضایل اعمال، و سنتها، و فرائض دینی، همه جزو مطلوبات شارع حکیم هستند که یک مسلمان نباید از انجام هیچ نوع از آن اعمال حسنه غافل بماند. اگر در انجام یکی از انواع حسنات کوتاهی کند بزودی در بقیه نیز کوتاهی می کند، و کسی که گناه کوچکی مرتکب شد و توبه نکرد این بار قبح و زشتی گناه کردن نزد او از بین می رود.

قال عبد الله بن المبارك رحمه الله: «من تهاون بالأدب عوقب بحرمان السنن، ومن تهاون بالسنن عوقب بحرمان الفرائض، ومن تهاون بالفرائض عوقب بحرمان المعرفة».^۱

عبدالله ابن مبارک رحمه الله فرمود: «هرکس در ادب کوتاهی کند با محروم شدن از سنتها مجازات می شود، و هرکس در انجام سنتها کوتاهی کند با محروم شدن از فرائض مجازات می شود، و هرکس در انجام فرائض کوتاهی کند با محروم شدن از شناخت و معرفت مجازات می گردد».

از نشانه‌های رویگردانی الله تعالی از بنده‌اش:

قال الحسن رحمه الله: «من علامة إعراض الله تعالى عن العبد أن يجعل شغله فيما لا يعنيه».^۲
 امام حسن بصری رحمه الله فرمودند: «از نشانه های رویگردانی الله تعالی از بنده اینست که وی را به چیزی که سودی برای قیامتش ندارد مشغول می سازد».

۱- «شرح الأدب المفرد» (۲/ ۳۹۷).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۲۴).

تفاوت بین مؤمن متقی و انسان فاسق در گناه کردن!

قال ابن مسعود رضي الله عنه: «إن المؤمن يرى ذنوبه كأنه في أصل جبل يخاف أن يقع عليه، وإن الفاجر يرى ذنوبه كذباب طار على أنفه»^۱.

ابن مسعود رضي الله عنه فرمود: «انسان مؤمن گناهش را همچون کوهی می بیند و می ترسد که بر وی بیفتد! و شخص فاجر گناهش را همچون مگسی می بیند که به دور بینیش می چرخد!».

قلب‌هایی که استحقاق آتش جهنم را دارند:

قال ابن القيم رحمه الله: «خلقت النار لإذابة القلوب القاسية»^۲.

امام ابن قیم رحمه الله فرمود: «آتش جهنم برای ذوب کردن قلبهای سخت آفریده شده است».

صبر بر عذاب جهنم ممکن نیست!

قال ابن القيم رحمه الله: «الصبر عن الشهوة أسهل من الصبر على ما توجه الشهوة»^۳.

امام ابن قیم رحمه الله فرمودند: «صبر کردن در برابر شهوت آسان تر است از صبر کردن در برابر عقوبتهای شهوت».

ذکر گوی واقعی:

اگر ترس و خشیت از خدا باعث اطاعت از اوامر او و دوری از گناه نشود، پس آن ترس نفاق بوده است.

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۸۶).

۲- «الفوائد» (ص: ۹۷).

۳- «الفوائد» (ص: ۱۸۲).

عن سعید بن جبیر، قال: «إن الخشية أن تخشى الله تعالى حتى تحول خشيتك بينك وبين معصيتك، فتلك الخشية، والذكر طاعة الله، فمن أطاع الله فقد ذكره، ومن لم يطعه فليس بذاكر، وإن أكثر التسبيح وقراءة القرآن»^۱.

سعید بن جبیر رحمه الله می فرماید: «خشیت آنست که از خدا آنگونه بترسی تا آنکه بین تو و گناهت فاصله بیندازد، و ذکر خدا اطاعت کردن اوست، پس هر کس خدا را اطاعت کند او را یاد کرده است، و هر کس او را اطاعت نکند او ذاکر نیست هر چند که زیاد تسبیح گوید و قرآن قرائت کند».

عواقب انتشار زنا و ربا در یک جامعه:

دو گناه کبیره که متأسفانه در زمان ما در آستانه شایع شدن است؛ زنا و ربا هستند که بعضی از مردم براحتی مرتکب آن می شوند ولی اسم دیگری بر آن دو گناه می گذارند! تا بدین ترتیب خود را فریب داده و گناهشان را توجیه کنند، اما غافل از اینکه در دام مکر شیطان اسیر شده اند و علاوه بر زیانهای شخصی برای جامعه نیز مضر هستند؛ چه که زنا موجب رواج بی بندوباری و فساد و اختلال نسلها شده و ربا نیز موجب ایجاد کینه و عداوت بین مسلمانان خواهد شد.

قال ابن القیم: «إذا ظهر الزنا والربا في قرية أذن بهلاكها»^۲.

امام ابن قیم رحمه الله فرمود: «هرگاه در شهری زنا و ربا شایع شد، هلاک و نابودی آن شهر را اعلام کن».

چشم چرانی:

شریعت پاک اسلام ما را راهنمایی کرده برای آنکه به گناه نیافتیم، از مقدمات آن گناه پرهیز کنیم. زیرا شیطان می کوشد تا اندک اندک انسان را به سمت گناه اصلی بکشاند، از

۱- «حلیة الأولیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

۲- «الفوائد» (۲۲۶).

اینرو سعی دارد تا ابتدا او را به مقدمات گناه مبتلا کند. مثلاً نگاه به نامحرم مقدمه ای برای گناه زنا است، پس کسی که این مقدمه را فراهم نکند، از گناه زنا نیز دور تر می‌شود، و هکذا در بقیه گناهان..

قال الحجاوي رحمه الله: «فضول النَّظَر أصل البلاء لأنَّه رسول الفرج»^۱.

امام حجاوی رحمه الله فرمود: «چشم چرانی اساس و ریشه بلاء است چرا که آن فرستاده فرج است».

بخل:

بخل ورزیدن صفت زشتی است چه انسان غنی باشد یا فقیر..

قال ابن القيم رحمه الله: «البخيل فقير لا يؤجر على فقره»^۲.

امام ابن قیم رحمه الله فرمودند: «فقیر بخیل بخاطر (صبر) بر فقرش اجر و پاداش نمی‌برد».

نشانه انسان ریاکار:

قال علي بن أبي طالب رضي الله عنه: «للمرائي ثلاث علامات، يكسل إذا كان وحده، وينشط إذا كان في النَّاس، ويزيد في العمل إذا أثنى عليه، وينقص إذا ذم»^۳.

علی ابن ابیطالب رضی الله عنه فرمود: «ریاکار سه علامت دارد: هرگاه تنها ماند در عبادت کسل و تنبل شود، و هرگاه در میان مردم باشد فعال و پرکار است، و هرگاه تمجید شود بیشتر عبادت کند و اگر سرزنش شود از آن می‌کاهد».

وعن بعض العلماء: «خوفوا المؤمنین بالله، والمنافقین بالسلطان، والمرائین بالناس»^۴.

۱- «غذاء الألباب» (ص: ۱۲۵).

۲- «الفوائد» (ص: ۵۰).

۳- «الإحياء» (۳/ ۲۹۶).

۴- «مختصر شعب الإيمان» (۹۸).

یکی از علمای سلف فرموده: «مؤمنان از خدا می ترسند، و منافقین از سلطان، و ریاکاران از مردم می هراسند».

وقال أبو سليمان الدّراني رحمه الله: «إذا أخلص العبد انقطعت عنه كثرة الوسواس والرياء»^۱.

ابو سلیمان دّرانی فرمود: «هرگاه بنده ای به اخلاص برسد، کثرت وسواس و ریا از وی تمام می شود».

سوگند به دروغ یا سوگند به غیر خدا؟!۱

بعضی از مردم می گویند: گاهی ناچار می شویم که دروغ بگوئیم! و برای آنکه مرتکب قسم دروغ نشویم پس به غیر خدا قسم دروغ می خوریم! درحالیکه غافلند از اینکه سوگند به غیر خدا شرک (اصغر) است حتی اگر دروغ باشد اما سوگند دروغ به خدا گناهی غیر از شرک است، و قطعاً شرک از گناه بزرگتر است.

قال ابن مسعود رضي الله عنه: «لأن أحلف بالله كاذبا أحبّ إليّ من أن أحلف بغيره صادقا»^۲.

ابن مسعود رضی الله عنه فرمود: «از اینکه سوگند دروغی به خدا بخورم بیشتر می پسندم تا اینکه سوگند راستی به غیر خدا بخورم».

شطرنج:

برای کسانی که به بازی شطرنج عادت گرفته اند:

روي عن عليّ رضي الله عنه أنّه قال: «الشّطرنج ميسر العجم»^۳.

از علی ابن ابیطالب رضی الله عنه روایت شده که فرمود: «شطرنج قمار عجم است».

۱- مدارج السالکین (۲ / ۹۶).

۲- «فتح المجید» (۴۱۴).

۳- «لسان العرب» (۵ / ۲۹۸).

سخن چینی به قصد خیر خواهی!

قال رجل لوهب بن منبه رحمه الله تعالى: «إِنَّ فلانا شتمك، فقال: ما وجد الشيطان يريدنا غيرك!».^۱

مردی به وهب بن منبه رحمه الله گفت: فلانی تو را دشنام داد، وهب فرمود: «شیطان قاصدی جز تو نیافت (که این سخن را برایم بیاورد)».

شرکت در دزدی از طریق خرید اجناس دزدیده شده:

قال الإمام أحمد رحمه الله تعالى: «إذا اشترى الرجل من رجل شيئاً وهو يعلم أنه سرقة فقد شاركه».^۲

امام احمد بن حنبل رحمه الله فرمودند: «هرگاه کسی چیزی را از مردی بخرد و بداند که او آنرا دزدیده است، پس وی نیز در سرقت آن با او شریک است».

جریمه گناه در این دنیا:

کسی که از نصیحت دین پند نگیرد و از انجام گناهان باز نایستد و توبه نکند، خدای متعال نیز عذابش را بیشتر می کند که یکی از راههای آن اینست که انجام گناهان را برایش میسر می کند!

قال أحد الحكماء: «المعصية بعد المعصية عقاب المعصية، والحسنة بعد الحسنه ثواب الحسنه».^۳

یکی از حکمای سلف فرموده: «گناه بعد از گناه جریمه و سزای گناه است، و نیکی بعد از نیکی ثواب و پاداش نیکی است».

۱- «مختصر منهاج القاصدين» (۱۸۴).

۲- «مسائل الإمام أحمد، رواية البغوي» (۶۸).

۳- «صيد الخاطر» (ص: ۴۵).

عاقبت بخیری:

یکی از الطافی که اگر خدای متعال بخواهد بر بندگانش عطا می کند، نعمت عاقبت بخیری است. و قطعاً کسانی که لیاقت آنرا نداشته باشند مشمول این لطف و رحمت نخواهند شد، پس باید بکوشیم و بر دین خود ثابت قدم و استوار بمانیم تا عاقبت بخیر شویم، و از خدا بخواهیم که این نعمت را نصیب ما نیز فرماید.

قال ابن القیم رحمه الله: «من احدث قبل السلام بطل ما مضی من صلاته ومن أفطر قبل غروب الشمس ذهب صيامه ضائعاً ومن أساء في آخر عمره لقی ربه في ذلك الوجه»^۱
 امام ابن قیم رحمه الله فرمود: «هر کس قبل از سلام (نماز) وضویش باطل شود آنچه از نمازش خوانده نیز باطل می شود، و هر کس قبل از غروب خورشید روزه اش بشکند روزه اش بر باد رفته، و هر کس در آخر عمرش مرتکب فساد و تباهی شود پروردگارش را با همان حالت ملاقات می کند».

این بود گزیده ای از اقوال و نصایح سلف صالح، امید است سرلوحه زندگیمان قرار بگیرد، و روشنایی بخش ما در مسیر رسیدن به خشنودی خداوند عزوجل باشد. بارالها! همه ما مسلمانان را در پیروی هر چه بیشتر از کلامت، و کلام پیامبرت، و سیره سلف صالح این امت توفیق و یاری بفرما، و ما را نیز در مسیر آن بزرگواران قرار بده و با اسلام و ایمان و عمل صالح بمیران.. آمین

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

تهیه، تحقیق، گردآوری و ترجمه:

سایت نوار اسلام (IslamTape.Com)